

فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره یکم (پیاپی 20)، بهار 1400
(صص 195-222)

حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو کنوانسیون

بین‌المللی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان

DOR:20.1001.1.23225637.1400.10.1.8.8

نوع مقاله: پژوهشی

علی مشهدی،¹ موسی کرمی،² احسان شکیب‌نژاد³

تاریخ پذیرش: 1400/04/25

تاریخ دریافت: 1399/11/29

چکیده

کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان (کنوانسیون بلم دو پارا) منعقد در سال 1994، نخستین سند اختصاصی در زمینه منع خشونت علیه زنان در جهان است. کنوانسیون بلم دو پارا پیشنهاد طرح خشونت علیه زنان در سپهر بین‌المللی و شناسایی آن به سان نقض حقوق بشر در عرصه‌های سیاسی، قضایی، جامعه‌ای (اجتماعی)، اقتصادی و فرهنگی است. کنوانسیون، تعهدات فراگیری در زمینه پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان برای دولت‌های طرف خود ایجاد نموده و الهام‌بخش و مرجع نوین‌سازی چارچوب تقنینی ذیربط در قاره آمریکا بوده است. افزون بر این، این سند تنها معاهده حقوق بشری اختصاصی راجع به حذف خشونت علیه زن به شمار می‌رود که دارای سازکار طرح شکایت فردی است. نگارندگان این مقاله در نظر دارند با بهره‌گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی حمایت‌های انجام‌گرفته از زنان در برابر خشونت، تکالیف دولت‌ها در این زمینه و سازکارهای نظارتی ذیربط به موجب کنوانسیون بلم دو پارا دست یازند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق زنان، خشونت علیه زنان، کنوانسیون بلم دو پارا، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر.

1. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / droitenviro@gmail.com

2. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم

3. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم

مقدمه

خشونت علیه زنان¹ یک مشکل جدی اجتماعی و نقض آشکار حقوق بشر به شمار می‌رود (Essayag, 2017: 11) است. با رشد روزافزون گفتمان و جنبش حقوق بشر پس از جنگ خانمان‌سوز دوم جهانی و شکل‌گیری اسناد بین‌المللی حقوق بشر، موج حمایت‌گرایی از حقوق بشر از صحنه بین‌المللی به مناطق و قاره‌های جهان نیز سرایت کرد (Momeni Rad and Kaykhosravi, 2019: 112). از آنجایی که خشونت علیه زنان از نظر زمانی و مکانی محدود نیست، مبارزه با آن نیز در چارچوب کشور یا منطقه‌ای خاص نمی‌گنجد و در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به آن توجه شده است. (Mashhadi et al, 2019: 72) با وجود اهمیت این پدیده در جامعه بین‌المللی، تاکنون هیچ سند حقوقی بین‌المللی تخصصی در چارچوب نظام ملل متحد انعقاد نیافته است. (Mashhadi and Karami, 2020: 738) ولی وضع در سطح منطقه‌ای به گونه‌ای دیگر رقم خورده و در سامانه‌های اروپایی، بین‌امریکایی و افریقایی حقوق بشر، شاهد اسناد حقوقی الزام‌آور تخصصی در زمینه منع خشونت علیه زنان هستیم و پیشگام این عرصه از لحاظ زمانی، سامانه بین‌امریکایی است.

سامانه بین‌امریکایی حقوق بشر در میان سامانه‌های سه‌گانه، نخستین و دیرپاترین سامانه منطقه‌ای در حوزه حقوق بشر محسوب می‌شود و اعلامیه امریکایی حقوق و تکالیف انسان² معروف به اعلامیه بوگوتا³ به‌عنوان نخستین سند عام حقوق بشری در 2 می 1948 یعنی بیش از 7 ماه پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، منعقد گردید. ناگفته پیداست که نه این اعلامیه و نه کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (میثاق سان خوزه)⁴ به تاریخ 22 نوامبر 1969 و لازم‌اجراء

1. Violence against Women (VAW)

2. American Declaration on Rights and Duties of Man

3. Bogota Declaration

4. American Convention on Human Rights (Pact of San José)

شده در مورخ 18 ژوئیه 1978، به صورت تخصصی به مسئله خشونت علیه زنان نمی‌پردازند و این کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان (کنوانسیون بلم دو پارا) بود که برای نخستین بار در منطقه و البته جهان، در قالبی الزام‌آور به این پدیده جهان‌گستر پرداخت. در واقع، سامانه آمریکایی حقوق بشر را می‌توان آغازگر نهضت حمایت از زنان در برابر خشونت در چارچوب یک سند الزام‌آور حقوقی در جهان دانست که با توجه به اهمیت این موضوع در آمریکای لاتین شکل گرفته است (Voir: Bellami, 2018: 133-148).

نظر به اهمیت چشمگیر مباحث حقوقی مرتبط با مقوله خشونت علیه زنان در کل و به‌ویژه در کشور عزیزمان ایران و نیز جایگاه کنوانسیون بلم دو پارا به سان پیشگام حمایت الزام‌آور از زنان در برابر خشونت و نیز نبود نوشته‌ای مستقل راجع به سند حقوق بشری در نوشتگان فارسی، در این نوشتار، به شیوه توصیفی-تحلیلی، بر آن شده‌ایم تا پس از معرفی کلی کنوانسیون یادشده، مهم‌ترین ابعاد این سند حقوقی را از چشم‌انداز حمایت‌هایی که از زنان در برابر خشونت صورت داده به بررسی بگذاریم. به راستی، کنوانسیون بلم دو پارا در قالب نظامی منطقه‌ای، چه نقشی در حمایت از زنان در برابر خشونت بازی کرده است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که کنوانسیون بلم دو پارا، به‌رغم محدود بودن دامنه آن به قاره آمریکا، در توسعه نظام بین‌المللی منع خشونت علیه زنان و کاهش خلأ هنجاری موجود در این عرصه سهم چشمگیری ایفا نموده است. واقعیتی که نشان‌گر نقش برجسته و بسیار مهم نظام‌های منطقه‌ای در حمایت و پیشبرد حقوق بشر است.

1. معرفی کلی کنوانسیون بلم دو پارا: پیشینه، دامنه و حقوق تحت حمایت

1-1. پیشینه و دامنه

نظام بین‌امریکایی حقوق بشر معاهدات و اسناد و سازکارهای گوناگونی اعم از عام و خاص دارد و کنوانسیون بلم دو پارا ذیل قواعد خاص آن قرار می‌گیرد. متن کنوانسیون پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان به دست کمیسیون بین‌امریکایی زنان¹ در یکم مقدمه، ماده و پنج فصل تهیه و شش ماه پس از تصویب اعلامیه محو خشونت علیه زنان ملل متحد در 20 دسامبر 1993، در 9 ژوئن سال 1994 از سوی مجمع عمومی سازمان کشورهای امریکایی² در شهر بلم دو پارا در برزیل اتخاذ شد و به همین سبب از آن با عنوان کنوانسیون بلم دو پارا نیز یاد می‌شود. کنوانسیون بلم دو پارا در مورخ 5 مارس سال 1995 و پس از گذشت 30 روز از تاریخ تودیع دومین سند تصویب لازم‌الاجراء گردید. تا زمان تاریخ نگارش این نوشتار (بهمن 1399)، از 35 کشور عضو سازمان کشورهای امریکایی، شمار 33 کشور این کنوانسیون را تصویب کرده یا به آن پیوسته‌اند. کشورهای ایالات متحده امریکا و کانادا (Duhaime, 2018: 267-283) کنوانسیون بلم دو پارا را امضاء و تصویب نکرده‌اند.³ همانگونه که به طور خاص کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نخستین گام در راستای الزامی ساختن قواعد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر قلمداد کرده‌اند، می‌توان مدعی شد که کنوانسیون بلم دو پارا نیز در مسیری مشابه گام نهاده و در راستای الزام بخشیدن به مقررات اعلامیه 1993 منع خشونت علیه زنان اقدام کرده است.

کنوانسیون بلم دو پارا تصدیق می‌نماید که خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ایشان است و رعایت، بهره‌مندی و اعمال این حقوق آزادی‌ها را مخدوش یا ملغی می‌سازد. همچنین این کنوانسیون خشونت علیه زنان را جرمی ضد کرامت بشر می‌

1. Inter-American Commission of Women (CIM)

2. Organization of American States (OAS)

3. در این زمینه بنگرید به: <http://www.oas.org/juridico/english/sigs/a-61.html>

شمارد و آن را تجلی نابرابری تاریخی میان زنان و مردان در عرصه قدرت می‌داند. وفق مقدمه این کنوانسیون، محو خشونت علیه زنان برای توسعه‌ی فردی و اجتماعی آنان و مشارکت تام و برابر ایشان در کلیه جنبه‌های زندگی ضروری است (OAS, 9 June 1994: preamble). کنوانسیون بلم دو پارا در تعریف خشونت علیه زنان در ماده ۱، دامنه خود را به هر عمل یا رفتاری مبتنی بر جنسیت که موجب مرگ یا ایراد آسیب یا رنج جسمانی، جنسی یا روانی به زنان شود، اعم از این که در عرصه عمومی رخ بدهد یا در داخل خانواده، تسری می‌بخشد (OAS, 9 June 1994: art. 1) و خشونت‌های جسمانی،^۱ جنسی^۲ و روانی^۳ علیه زنان را در بر می‌گیرد (OAS, 9 June 1994: art 2).

2-1. حقوق تحت حمایت

یکی از ویژگی‌های حقوق بین‌الملل به‌ویژه در سده بیست‌ویکم، توسعه چشمگیر آن در زمینه حقوق بشر زنان است. یکی از دلایل این امر آن است که توسعه یک کشور با مشارکت زنان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن ارتباط مستقیم دارد (جلالی، زمستان 1383: 115). با توجه به تلاش جامعه بین‌المللی برای مفهوم‌سازی حقوق زنان به سان حقوق بشر در اسناد و ارکان بین‌المللی حقوق بشر در بیش از 4 دهه اخیر (Stedman, 2013: 5)، بی‌گمان، حقوق زنان ذیل حق‌های بشری قرار می‌گیرند و بهره‌مندی بانوان از این حقوق در بستری برابر و فارغ از تبعیض، طبق موازین نظام بین‌المللی و سنجه‌های گفتمان حقوق بشر، از بایسته‌های حتمی محسوب می‌شود. اگرچه برخی حقوق شناسایی شده برای خانم‌ها در اسناد حقوق بشری خاص بانوان هستند، ولی این حقوق نیز حق‌هایی محسوب می‌شوند که زنان به‌عنوان انسان از آن‌ها بهره‌مندند و برگرفته از حقوق اساسی جهانی بشر قلمداد می‌گردند (Wellman, 2019: 189).

کنوانسیون بلم دو پارا، در مواد 3 تا 6 خود، حقوقی را برای زنان به رسمیت شناخته است.

1. Physical
2. Sexual
3. Psychological

بر اساس کنوانسیون ذریبط، هر زنی از حق آزادی از خشونت و از جمله رهایی از کلیه اشکال تبعیض برخوردار است و باید فارغ از الگوهای رفتاری و اجتماعی و رویه‌های فرهنگی قالبی و کلیشه‌ای که بر مفاهیم کهنتری و انقیاد مبتنی هستند، گرامی داشته شود و آموزش ببیند. همچنین کنوانسیون حق شناسایی، بهره‌مندی، اعمال و حمایت کلیه حقوق و آزادی‌های انسانی مندرج در اسناد حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی و از جمله حق حیات، احترام به یکپارچگی جسمانی، روانی و اخلاقی، حق آزادی و امنیت شخصی، حق قرار نگرفتن در معرض شکنجه، حق احترام به کرامت ذاتی خود و حمایت از خانواده، حق برخورداری از حمایت برابر در مقابل قانون، حق توسل آسان و سریع به دادگاه صالح جهت برخورداری از حمایت در برابر اقداماتی که حقوق ایشان را نقض می‌کنند و ... را برای زنان به رسمیت می‌شناسد (OAS, 9 June 1994: arts. 3-6).

حال پس از معرفی کوتاه و کلی کنوانسیون، در ادامه به تکالیف دولت‌ها به سان متعهد علیهم نظام بین‌المللی حقوق بشر به موجب کنوانسیون بلم دو پارا در زمینه پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان دست می‌یازیم.

2. تکالیف دولت‌ها در زمینه پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان در کنوانسیون بلم دو پارا

بر کسی پوشیده نیست که روند بشرگرا شدن حقوق بین‌الملل در ابعاد مختلف با شتابی بیش از پیش در حال تکامل است. از این رو، اکنون شاید بتوان آن را به‌عنوان چتری برای افراد بشر تلقی نمود تا دولت‌ها (Madany, 2009: 234). به همین خاطر است که در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر، افراد صاحبان حق‌اند و دولت‌ها متعهدان اولیه در قبال حمایت و اجرای حقوق (Rahimi, 2018: 65). مسئولیت و به بیان دقیق‌تر تعهد اصلی در پابندی به حقوق و گفتمان حقوق بشر، بر دوش دولت‌ها قرار داده شده است. تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر

بر سه قسم‌اند: تعهده به رعایت یا احترام،¹ تعهد به حمایت (تضمین احترام)² و تعهد به ایفاء.³ تعهد به احترام یعنی این که دولت خود مبادرت به نقض حقوق بشر ننماید و در بهره‌مندی افراد از این حقوق دخالت نکند؛ تعهد به حمایت به این معناست که دولت می‌بایست عدم نقض حقوق بشر از سوی اشخاص ثالث یا به سخن دیگر، احترام به این حقوق از سوی این اشخاص را تضمین نماید؛ و تعهد به ایفاء نیز حکایت از آن دارد که دولت موظف است به اتخاذ اقدامات ایجابی از جمله اقدامات تقنینی، مالی، بودجه‌ای، قضایی و ... جهت برخورداری افراد از حق‌های بشری خود مبادرت جوید (E. Howard-Hassmann, 2012: 93).

اقدامات حمایتی از زنان در برابر خشونت، گستره وسیعی از اقدام‌های کنشی و واکنشی را دربرمی‌گیرد. ایجاد سازکارها و نهادهای حمایتی در حوزه زنان، قرارهای پیشگیرانه یا حتی پیش-دستانه مانند پیش‌بینی خشونت با توجه به عوامل ریسک در مردان مرتکب و زنان بزه‌دیده‌ها با روش‌های آماری و بالینی (Gholami and Barzegar, 2017: 6-7)، اقدام‌های جامعه‌ی (اجتماعی) و سرانجام، پیش‌بینی کیفر از جمله مهم‌ترین اقدام‌ها در این راستاست (Rezvani et al., 1399: 357). این دسته از زمره تدابیری به شمار می‌آیند که دولت‌ها از رهگذر تعهدات حقوق بشری خود ملزم به اتخاذ آن‌ها هستند. در واقع، به گفته‌ای کلی‌تر، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بدون تمایز از حیث نژاد، جنسیت، زبان و مذهب و ... از اهداف منشور ملل متحد است که در ماده 1 و در کنار سایر اهداف سازمان چشم‌انداز نوینی را برای نظم جهانی ترسیم می‌کند. جامعه جهانی برای حصول به هر یک از این مقاصد چارچوب‌هایی را ایجاد کرده است که از دریچه تعهدات بین‌المللی می‌گذرد (Seyed Hatami and Musafa, 2020: 1380).

-
1. Obligation to respect
 2. Obligation to protect (Ensuring the respect)
 3. Obligation to fulfill

فصل سوم کنوانسیون بلم دو پارا، پاره‌ای تعهدات را برای کشورهای عضو خود مقرر می‌دارد. وفق ماده 7 کنوانسیون، دولت‌ها کلیه اشکال خشونت علیه زنان را محکوم و توافق می‌کنند که با تمام ابزارهای مقتضی و بدون تأخیر، خط‌مشی‌هایی را برای پیشگیری، مجازات و ریشه‌کن‌سازی چنین خشونت‌هایی پی بگیرند (OAS, 9 June 1994: art. 7). ذیل همین ماده، دولت‌ها از سویی تعهدی سلبی دایر بر خودداری از مبادرت به عمل یا پیش گرفتن رویه خشونت‌آمیز علیه زنان دارند و دیگر سوی مکلفند پابندی کلیه عوامل، مقامات و نهادها به این تعهد را تضمین کنند. افزون بر این، کشورهای عضو می‌بایست به صورت ایجابی، در پیشگیری، تحقیق و مجازات خشونت علیه زنان مطابق اصل مساعی مقتضی¹ عمل نمایند (OAS, 9 June 1994: art 7(a) & (b)). مساعی مقتضی در حقوق بین‌الملل بشر به معنای تعهد دولت مبنی بر پیشگیری از نقض حق‌های بشری، حمایت از قربانیان سوء استفاده از حقوق بشر، تعقیب ناقضین، مجازات مرتکبین، جبران خسارت از قربانیان و نیز پایان دادن به مصونیت و پیشگیری از سوء استفاده از حقوق بشر توسط بازیگران غیردولتی می‌باشد (Aziz, 2017: 1).

می‌توان مدعی شد در همه کشورها زنان از قربانیان اصلی خشونت هستند و در بیشتر جوامع، خشونت مبتنی بر جنسیت برای مدت طولانی تحمل می‌شود و بی‌کیفر ماندن عاملان خشونت موجب می‌گردد جامعه به طور ضمنی از آن چشم‌پوشی کند. از این‌رو، عدم تحمل خشونت علیه زنان با هر دستاویز و توجیهی، یکی از گام‌های اساسی مبارزه با خشونت علیه زنان به‌شمار می‌رود (Ravasian Kashi, 2009: 125-124). در این راستا، دولت‌ها وظیفه دارند مقررات مورد نیاز برای پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان را در قوانین کیفری، مدنی، اداری و ... خود بگنجانند و در صورت لزوم اقدامات اداری مقتضی را به انجام رسانند. افزون بر این، دولت‌ها می‌

بایست اقدامات قانونی را برای ملزم ساختن مرتکبین بالقوه از خودداری از اذیت و آزار، ارعاب یا تهدید بانوان یا بکارگیری هر شیوه‌ای که جان و یکپارچگی جسمانی آنان را به مخاطره می‌افکند اتخاذ نمایند و در راستای اصلاح یا لغو قوانین و مقررات یا تعدیل رویه‌های قانونی و عرفی که موجب تداوم و تحمل خشونت علیه زنان می‌شوند، به کلیه اقدامات مقتضی و از جمله اقدامات تقنینی دست بزنند (OAS, 9 June 1994: art. 7 (c) (d) & (e)). همچنین کشورهای عضو کنوانسیون بلم دو پارا، متعهد شده‌اند آیین‌های حقوقی منصفانه و مؤثری را برای زنانی که در معرض خشونت قرار گرفته‌اند ایجاد کنند که از جمله اقدامات حمایتی، استماع به هنگام و دسترسی کارآمد به چنین آیین‌هایی را شامل می‌شود. ایجاد سازکارهای قانونی و اداری ضروری به منظور تضمین دسترسی مؤثر زنان قربانی خشونت به جبران خسارت و نیز اتخاذ اقدامات تقنینی یا دیگر اقدامات ضروری برای اجرایی ساختن کنوانسیون نیز از دیگر تعهدات دولت‌ها می‌باشند (OAS, 9 June 1994: art. 7(f), (g) & (h)).

کمیته رفع تبعیض علیه زنان¹ یا کمیته حقوق زنان به عنوان نهاد ناظر بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان سال 1979، در توصیه‌نامه عام شماره 28 خود در سال 2010، با یادکرد اینکه جنسیت محصول و ثمره اجتماع و فرهنگ است، تغییرپذیری تصورات مربوط به جنسیت به وسیله [تغییر] در فرهنگ و [آداب و رسوم] اجتماعی مربوطه را تصدیق می‌نماید (CEDAW, 19 October 2010: para. 5). در واقع، می‌توان گفت که اعمال خشونت علیه زنان ریشه در فرهنگ غلط جامعه و ناآگاهی افراد دارد. کنوانسیون بین‌المللی حقوق زنان نیز این واقعیت را مطمح نظر قرار داده و دولت‌های عضو خود را ملزم ساخته تا آگاهی‌بخشی و رعایت حق زنان برای آزادی از خشونت و نیز احترام و حمایت از حقوق بشری ایشان را

1. Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW)

ارتقاء بخشند. نیز کنوانسیون در مقرره‌ای واجد اهمیت، دولت‌ها را مکلف می‌کند تا الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان و از جمله برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی به فراخور سطح فرایند آموزشی را برای مقابله با پیش‌داوری‌ها، آداب و رسوم و کلیه دیگر رویه‌هایی که بر دیدگاه کهنتری و مهتری جنس‌ها مبتنی هستند یا تصورات قالبی موجود راجع به زنان و مردان که خشونت علیه بانوان را مشروع جلوه می‌دهد و تشدید می‌کند، تعدیل و اصلاح نمایند (OAS, 9 June 1994: art. 8(a) & (b)).

شایان یادکرد است که کنوانسیون بلم دو پارا، بر امر آموزش جهت پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان تأکید ویژه‌ای دارد. در این راستا، دولت‌های عضو موظفند که آموزش و پرورش کلیه‌ی افراد درگیر در فرایند اجرای عدالت، مأمورین پلیس و دیگر مقامات ضابط قانون و نیز سایر اشخاص مسئول اجرای سیاست‌های مربوط به پیشگیری، مجازات و ریشه‌کن‌سازی خشونت علیه زنان را ارتقا دهند. آنان همچنین تکلیف دارند آموزش در بخش‌های دولتی و خصوصی را که برای آگاهی‌افزایی عموم مردم راجع به مسائل مربوط به خشونت علیه زنان و جبران خسارت در این زمینه طراحی شده‌اند را تقویت کرده و از آن‌ها پشتیبانی کنند (OAS, 9 June 1994: art. 8 (c) & (e)). افزون بر این، تشویق رسانه‌های ارتباطی برای توسعه رهنمودهای مقتضی در راستای ایفای سهم در ریشه‌کن‌سازی کلیه اشکال خشونت علیه زنان و ارتقای احترام به کرامت بانوان، تعهد دیگری است که در این حوزه بر دوش دولت‌های عضو قرار دارد. دولت‌ها همچنین می‌بایست انجام تحقیق و گردآوری آمار-ها و سایر اطلاعات مربوطه در خصوص علل، پیامدها و فراوانی خشونت علیه زنان را به جهت ارزیابی کارآمدی اقدامات صورت گرفته برای پیشگیری، مجازات و ریشه‌کن‌سازی خشونت علیه زنان و صورت‌بندی و اجرای تغییرات لازم را تضمین کنند و همکاری‌های

بین‌المللی را به منظور تبادل دیدگاه‌ها و تجارب و اجرای برنامه‌های معطوف به حمایت از زنان قربانی خشونت ارتقا بخشند (OAS, 9 June 1994: art. 8 (g), (h) & (i)).

زنان به واسطه جنسیت خود، در موقعیت‌های خطرناک و بحرانی، نسبت به مردان در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار دارند. بی‌گمان، بزرگ‌ترین قربانیان وضعیت‌های نظیر مخاصمات مسلحانه، مهاجرت و پناهندگی و مواردی نظیر اسیدپاشی (Mashhdi et al, 2017:173-196) کودکان و به ویژه دختر بچه‌گان و زنان هستند. به طور خاص، خشونت و تجاوز جنسی علیه زنان و دختر بچه‌گان، در طول تاریخ غالباً به عنوان راهبردی جنگی برای تخریب غرور و شرافت ملی به کار می‌رود که نه تنها فرد قربانی بلکه کل جامعه وی را تحت تأثیر قرار داده و موجبات تخریب فرهنگ و هویت وی را فراهم می‌آورد (Kaky, 2008: 101). منعقدکنندگان کنوانسیون 1994، از بذل توجه ویژه به زنانی که نسبت به دیگر افراد در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار دارند غفلت نورزیده‌اند. بر اساس ماده 9، در اتخاذ اقدامات برشمرده شده در فصل سوم، دولت‌های عضو می‌بایست توجه خاصی را به آسیب‌پذیری زنان در قبال خشونت از جمله بر مبنای پیشینه نژادی یا قومی یا وضعیت آنان به مثابه افراد مهاجر، پناهجو یا پناهنده مبذول دارند. همین ملاحظه در رابطه با زنان باردار، معلول، کم سن و سال، کهنسال و ... قربانی خشونت و نیز بانوانی که تحت تأثیر مخاصمات مسلحانه قرار دارند یا آزادی آن‌ها سلب شده است نیز جاری و ساری است (OAS, 9 June 1994: art. 9).

حال که هرچند کوتاه به بررسی تکالیف دولت‌ها در زمینه منع خشونت علیه زنان به موجب کنوانسیون بلم دو پارا دست یازیدیم، بر آنیم تا در گفتار بعدی به سازکارهای نظارتی این کنوانسیون پردازیم.

3. ساز کارهای نظارتی در زمینه منع خشونت علیه زنان در چارچوب کنوانسیون بلم دو پارا

اگرچه انعقاد و تصویب اسناد حقوق بشری و متعهد کردن دولت‌ها به رعایت آن‌ها به سان گام نخستین در حمایت و ارتقای حقوق بشر را می‌توان ارزشمند قلمداد کرد و آن را نشان‌گر عزم و اراده برای دفاع از انسان‌ها در برابر نهاد دولت و مهاري بر افسار گسیختگی آن دانست، ولی بی‌گمان اتخاذ تمهیدات و ساز کارها و تشکیل نهادهایی که پیگیر اجرای موازین مندرج در اسناد بوده و بر رفتار و عملکرد دولت‌ها در قبال تعهدات خویش نظارت داشته باشند (Mehrpour, 2008: 25) بایسته‌ای غیر قابل چشم‌پوشی است. به گفته‌ای دیگر، هر چند با توجه به ساختار جامعه بین‌المللی، تلقی حقوق بشر به‌عنوان سنجه ارزیابی مشروعیت دولت و عملکرد ستودنی است و چنین پیشرفتی لازم و ضروری بوده و نباید کم‌اهمیت جلوه داده شود، ولی به تنهایی و به خودی خود جامعه‌ای عاری از ستم و بیدادگری به ارمغان نمی‌آورد. جامعه بین‌المللی، فراتر از صرف استانداردهای و قاعده‌پروری، سخت‌نیازمند تضمین اجرا و رعایت استانداردهای حقوق بشر است (Zamani, 1385: 296).

ساز کارهای حمایتی حقوق بشر از سه منظر ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل بررسی هستند. از بعد ملی، باید توجه داشت که حقوق بشر اصولاً در داخل مرزهای ملی نقض می‌شود و از این‌رو، حمایت مؤثر از حقوق بشر نیز باید از داخل کشورها آغاز گردد. با این حال، در جهانی که حقوق بشر اصولاً به‌دست دولت‌ها نقض می‌شود، نمی‌توان در تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد به ساز کارهای ملی بسنده کرد. بر همین پایه، نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر در دو جبهه منطقه‌ای و جهانی نیز گسترش یافته‌اند. در این میان، نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، با اتکا بر پیوندهای مشترک مادی و معنوی در مناطق جغرافیایی خاص شکل گرفته و به تدریج تکامل یافته‌اند (Zamani, 1385: 296). البته باید خاطر نشان ساخت که ساز کارهای بین‌المللی و منطقه‌ای ناظر بر اجرای حقوق بشر را

هرگز نمی‌توان و نباید جایگزین سازکارها و اقدام‌های ملی جهت پیاده نمودن سنجه‌های حقوق بشری کرد و حقوق بشر می‌بایست در وهله نخست در سطوح ملی و محلی اعمال و اجرا گردند. با این حال، سازکارهای بین‌المللیه این خاطر که تجلی‌گاه خواست عمومی جامعه بین‌المللی برای فراهم آوردن شرایط اجرای مفاد اسناد حقوق بشری هستند، از اهمیتی شایان برخوردارند (Monfared and Tabatabai, 2017: 75). افزون بر این، به نظر می‌رسد حتی بتوان سازکارهای بین‌المللیه منطقه‌ای را ناظر بر سازکارهای ملی حمایت از حقوق بشر خواند و از نقش دوسویه و افزوده آن‌ها در این عرصه سخن راند.

در چارچوب نظام امریکایی حقوق بشر و به طور خاص کنوانسیون بلم دو پارا، به صورت صریح و گاه ضمنی، نظارت بر اجرای مقررات مربوط به خشونت علیه زنان از رهگذر سازکار پیش‌بینی و تعبیه شده است که عبارتند از: کمیسیون بین‌المللیه زنان، سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بین‌المللیه پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان، کمیسیون بین‌المللیه حقوق بشر² و سرانجام دیوان بین‌المللیه حقوق بشر.³ خاطر نشان می‌سازیم که در متن کنوانسیون، دو سازکار کمیسیون بین‌المللیه زنان و کمیسیون بین‌المللیه حقوق بشر ذکر شده است، ولی سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون و دیوان بین‌المللیه حقوق بشر نیز ذیل دو سازکار یادشده قرار دارند و از این رهگذر به ایفای نقش می‌پردازند. در واقع، از خلال سازکارهای چهارگانه یادشده است که پایبندی یا تخطی دولت‌های عضو کنوانسیون بلم دو پارا از تعهدات خود طبق این سند حقوق بشری واجد اهمیت به بوته آزمایش گذاشته می‌شود. در ادامه می‌کوشیم، هرچند به کوتاهی، به

1. The Mechanism to Follow-Up on Implementation of the Inter-American Convention on the Prevention, Punishment, and Eradication of Violence Against Women (MESECVI)

2. Inter-American Commission on Human Rights (IACHR)

3. Inter-American Court of Human Rights (IACtHR or Court)

معرفی هریک از این سازکارها و پیوند و کارکرد آنها با مبارزه با خشونت علیه زنان در قالب کنوانسیون بلم دو پارا پیردازیم. نظر به پیوستگی کارکرد کمیسیون بین‌امریکایی زنان با سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بلم دو پارا و نیز کمیسیون و دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر در زمینه منع خشونت علیه زنان، در دو زیربند به بررسی آنها مبادرت می‌جویم و از اختصاص زیربندهای جداگانه به هر چهار مورد خودداری می‌ورزیم.

1-3. کمیسیون بین‌امریکایی زنان و سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بلم دو پارا

کمیسیون بین‌امریکایی زنان در سال 1928 از رهگذر قطعنامه ششمین کنفرانس بین‌المللی دولت‌های امریکایی ایجاد شد و نخستین نهاد بین‌دولتی در سطح جهان به شمار می‌رود که به طور اختصاصی جهت مبارزه برای حقوق مدنی و سیاسی زنان در سطح قاره امریکا به وجود آمده و از نمایندگان منصوب از سوی کلیه دولت‌های عضو سازمان کشورهای امریکایی (به جز کوبا) تشکیل یافته است. از همان آغاز، یکی از اهداف اساسی کمیسیون یادشده حمایت از حقوق زنان در قاره امریکا بود تا زنان در بستری برابر بتوانند در کلیه حوزه‌های اجتماع مشارکت داشته باشند و به طور کامل و برابر از منافع و مزایای توسعه برخوردار شوند. از مهم‌ترین اقدام‌ها و تلاش‌های این نهاد در راستای استانداردسازی در زمینه حقوق زنان در قاره امریکا از جمله می‌توان به کنوانسیون تابعیت زنان¹ (1933)، کنوانسیون بین‌امریکایی اعطای حقوق سیاسی به زنان² (1948) و به‌ویژه کنوانسیون بلم دو پارا اشاره کرد.³

طبق ماده 10 کنوانسیون بلم دو پارا، دولت‌های طرف کنوانسیون موظف به ارائه گزارش به

1. Convention on the Nationality of Women (Uruguay, 1933)

2. Inter-American Convention on the Granting of Civil Rights to Women (Colombia, 1948)

3. برای آگاهی بیشتر در خصوص کمیسیون بین‌امریکایی حقوق زنان و به‌ویژه جهت دسترسی به اساسنامه، مقررات و دیگر موازین مربوط به این نهاد رجوع کنید به:

[http://www.oea.org/en/CIM/docs/PIA\[EN\].pdf](http://www.oea.org/en/CIM/docs/PIA[EN].pdf)

<https://ijrcenter.org/wp-content/uploads/2018/04/6.-CIM-Overview.pdf>

کمیسیون بین‌المللی خشونت علیه زنان هستند. بر اساس این ماده، «به منظور حمایت از حقوق کلیه زنان برای رهایی از خشونت، دولت‌های عضو در گزارش‌های ملی خود به کمیسیون بین‌المللی خشونت علیه زنان، اطلاعات مربوط به اقدامات اتخاذ شده جهت پیشگیری و منع خشونت علیه زنان، مساعدت به زنان متأثر از خشونت و نیز هر گونه دشواری ملاحظه شده در اعمال این اقدامات و عواملی که در خشونت علیه زنان نقش دارند را خواهند گنجاند». طبق قطعنامه شماره 1456 مجمع عمومی سازمان کشورهای آمریکایی به تاریخ 4 ژوئن 1997،¹ دبیرخانه دائمی کمیسیون بین‌المللی خشونت علیه زنان باید با دریافت گزارش‌های ملی دولت‌ها عضو، هر دو سال یکبار پیشرفت حاصله در زمینه اجرای کنوانسیون و تجارب و نتایج به دست آمده از رهگذر طرح‌ها و برنامه‌های پیگیری شده از سوی دولت‌ها در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان را به این مجمع گزارش دهد (Lando, 2015: 81-11). یادآور می‌شویم که در حقوق بین‌الملل، موضوع نظام گزارش‌دهی دولت‌ها اصولاً در ارتباط با نهادهای مبتنی بر معاهده مطرح می‌شود (Sadat Akhavi, 2012: 146). مهم‌ترین اهداف گزارش‌دهی را می‌توان در سه مورد دسته‌بندی کرد. هدف نخست این است که نهادهای نظارتی بتوانند ارزیابی عینی و دقیق از وضعیت حقوق بشر در کشورهای طرف معاهده ذریبط به عمل آورده و میزان هم‌خوانی رفتار آن‌ها با تعهدات بین‌المللی‌شان طبق آن معاهده سنجیده شود. هدف دوم، فراهم کردن فرصت مرور نظام قانونی، اداری و اجرای مربوط به حقوق تحت حمایت اسناد بین‌المللی و شناسایی کاستی‌ها و کمبودها برای دولت گزارش‌دهنده دانست. و هدف سوم آشنایی دیگر دولت‌ها با مشکلات و موانع پیش روی دولت گزارش‌دهنده در اجرای تعهدات خود طبق معاهدات و بکارگیری تجربیات و نیز هم‌فکری با آن دولت جهت یافتن راه‌حل‌های مشترک است (Augusto Cansado Trindade, 2000: 334).

1. AG/RES. 1456 (XXVII-O/97)

متن این قطعنامه در نشانی زیر قابل دسترسی است: <http://www.oas.org/juridico/english/ga-res97/eres1456.htm>

همچنین ماده 11 کنوانسیون بلم دو پارا، افزون بر دولت‌های عضو کنوانسیون، کمیسیون بین‌امریکایی زنان نیز می‌تواند در خصوص تفسیر کنوانسیون از دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر تقاضای نظر مشورتی بنماید. یادآور می‌گردد که در ماده 64 کنوانسیون بین‌امریکایی حقوق بشر، توانایی تفسیر کنوانسیون ذریبط و نیز دیگر معاهدات مرتبط با حمایت از حقوق بشر در دولت‌های امریکایی پیش‌بینی شده است. در این چارچوب، دیوان می‌تواند در زمینه سازواری قوانین داخلی کشورها و معاهدات حقوق بشری بین‌المللی نیز اظهار نظر نماید. بی‌گمان، پیش‌بینی همزمان گزارش‌دهی دولت‌های عضو کنوانسیون بلم دو پارا به کمیسیون بین‌امریکایی زنان و شناسایی اختیار این کمیسیون به درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر، می‌تواند هم از نظر فن حقوقی در راستای ایضاح جنبه‌های مختلف کنوانسیون یا شده و خشونت علیه زنان سودمند باشد و هم از لحاظ عملی، دولت‌های طرف کنوانسیون را به اتخاذ تفاسیری همگون و اقدامات مقتضی در این زمینه رهنمون سازد.

مجمع عمومی سازمان کشورهای امریکایی، به منظور تقویت امکان تحقق اهداف کنوانسیون بلم دو پارا، پنج سال پس از اجرایی شدن این سند، تصمیم گرفت به ایجاد پروژه‌ای در خصوص سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون دست بزند. این رسالت به برگزاری کنفرانس دولت‌های عضو در 26 اکتبر سال 2004 انجامید که در آن سازمان، اساسنامه سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بین‌امریکایی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان¹ را مورد تأیید قرار داد. در خصوص این سازکار، مجمع سه قطعنامه را اتخاذ کرده است. در قطعنامه نخست به

1. Statute for the Follow-up Mechanism of the Implementation of the Inter-American Convention to Prevent, Punish and Eradicate Violence Against Women, "Belém do Pará Convention" (MESECVI)

تاریخ 10 ژوئن سال 2003،¹ گزارش دوسالانه پابندی به کنوانسیون را دریافت می‌کند و از دبیرکل می‌خواهد با هماهنگی کمیسیون بین‌المللی امریکایی زنان، کنفرانس دولت‌های عضو را جهت اتخاذ تصمیم راجع به بهترین شیوه پیگیری اجرای کنوانسیون برگزار نماید. در قطعنامه دوم به تاریخ 8 ژوئن 2004،² کلیه دولت‌های عضو را به تداوم پشتیبانی از تلاش‌های کمیسیون بین‌المللی امریکایی زنان در راستای ایجاد و اجرای سازکار پیگیری کنوانسیون فرا می‌خواند و در قطعنامه سوم به تاریخ 7 ژوئن 2005،³ از کلیه دولت‌های عضو خواستار تداوم اجرای سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بلم دو پارا است. در سال‌های بعد و طبق مقررات سازکار پیگیری یادشده، مجمع عمومی گزارش سالانه اجرای سازکار ذریبط را دریافت و قطعنامه‌ای را با رسالت‌های متناظر به تصویب می‌رساند که در آن از دولت‌ها می‌خواهد به تقویت سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون ادامه دهند (The Committee of Experts, 2017: 5).

طبق ماده 1 اساسنامه سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بلم دو پارا، هدف این سازکار، افزون بر پیگیری تعهدات دولت‌های طرف کنوانسیون، ارتقای اجرای کنوانسیون، کمک به تحقق اهداف آن و ایجاد سیستم همکاری فنی میان دولت‌هاست که به روی دولت‌ها عضو و اعضای ناظر دائمی گشوده است. در راستای نیل به این اهداف، این سازکار از دو مؤلفه اساسی تشکیل شده است: کنفرانس دولت‌های طرف کنوانسیون و کمیته کارشناسان. دبیرخانه کنفرانس و کمیته به‌دست دبیرخانه اجرایی کمیسیون بین‌المللی امریکایی زنان هدایت می‌-

1. AG/RES. 1942 (XXXII-O/03)

این قطعنامه در نشانی زیر قابل دسترسی است: http://www.oas.org/juridico/english/ga03/agres_1944.htm

2. AG/RES. 2012 (XXXIV-O/04)

این قطعنامه در نشانی زیر قابل بازیابی است: <http://www.oas.org/en/sla/docs/AG02528E08.pdf>

3. AG/RES. 2138 (XXXV-O/05)

این قطعنامه در نشانی زیر قابل بازیابی است: <http://www.oas.org/en/sla/docs/AG02863E06.pdf>

شود که همزمان دفتر اصلی سازکار نیز به شمار می‌رود. کنفرانس دولت‌های طرف کنوانسیون از مقامات ذی‌صلاح ملی یا بالاترین مقامات مرتبط با خشونت علیه زنان از همه دولت‌های عضو سازمان کشورهای امریکایی که کنوانسیون بلم دو پارا را تصویب کرده‌اند، تشکیل یافته است. وظایف اصلی کنفران عبارتند از: الف) تدوین اصول راهنما برای اقداماتی که کمیته کارشناسان باید به انجام رساند؛ ب) دریافت، تحلیل و ارزیابی گزارش‌ها و توصیه‌های کمیته کارشناسان؛ و ج) انتشار و توزیع گزارش نیم‌کره‌ای¹ سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بلم دو پارا (The Committee of Experts, 2017: 5-6).

وظایف اصلی کمیته کارشناسان (Vior: Bellami, 2018: 133-148) متشکل از کارشناسان ملی منصوب از سوی دولت‌های متبوع خویش که بر مبنای صلاحیت شخصی و مستقل از دولت خود عمل می‌کنند، از این قرارند: الف) تدوین روش‌شناسی ارزیابی و زمان‌بندی کاری؛ ب) دریافت و ارزیابی گزارش‌های دولت‌های طرف کنوانسیون و آماده‌سازی توصیه‌نامه‌هایی بر مبنای این گزارش‌ها؛ و ج) ارائه گزارش به کنفرانس دولت‌های طرف کنوانسیون (The Committee of Experts, 2017: 6). افزون بر این، سازمان‌های جامعه مدنی ثبت شده در سازمان کشورهای امریکایی که به ارتقا، دفاع و حمایت از حقوق زنان می‌پردازند نیز می‌توانند در فرآیند سازکار پیگیری اجرای کنوانسیون بلم دو پارا مشارکت کنند. این سازمان‌ها می‌توانند از رهگذر تسهیل توزیع گزارش‌های ملی، نیم‌کره‌ای و پیگیری اجرای کنوانسیون و پایش و پیگیری اجرای توصیه‌های مقرر به دست کمیته کارشناسان در خلال نشست‌های سازکار یا از طریق گزارش‌های سایه² از این فرآیند پشتیبانی به عمل آورند (The Committee of Experts, 2017: 6).

1. Hemispheric Report

تا این تاریخ (زمستان 1399 خورشیدی)، سه گزارش نیم‌کره‌ای به سال‌های 2008 و 2012 و 2017 منتشر شده است.

2. Shadow Reports

این سازکار به انجام دوره‌های ارزیابی چندجانبه¹ مبادرت می‌ورزد که دو مرحله ارزیابی و پیگیری را در بر می‌گیرد. در مرحله ارزیابی، کمیته کارشناسان اجرای کنوانسیون بلم دو پارا را بر مبنای پاسخ‌های ارائه شده از سوی دولت‌های طرف کنوانسیون به سیستمی از شاخص‌های پیشرفت که اجرای کنوانسیون را می‌سنجند، تحلیل می‌کند. سپس به ارائه توصیه‌هایی جهت گزارش ارزیابی نیم‌کره‌ای² و گزارش‌های ملی متناظر دست می‌زند. این گزارش‌ها به کنفرانس دولت‌های طرف کنوانسیون تسلیم می‌گردند و همزمان در سطوح منطقه‌ای و ملی منتشر و توزیع می‌شوند. در مرحله پیگیری، کمیته بار دیگر شاخص‌های پیشرفت را به منظور تحلیل اجرای مؤثر توصیه‌های خاص خود منتشر می‌سازد و به آماده‌سازی گزارش پیگیری نیم‌کره‌ای³ دست می‌یازد. در این مرحله، کمیته کارشناسان اجرای توصیه‌های حاصل از مرحله ارزیابی را بر پایه اطلاعات ارائه شده از سوی دولت‌های طرف کنوانسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. سپس گزارش پیگیری توصیه‌ها را آماده می‌کند که برای تأیید به کنفرانس دولت‌های طرف کنوانسیون تسلیم می‌گردد (The Committee of Experts, 2017: 6-7).

3-2. کمیسیون و دیوان بین‌المللی حقوق بشر

کنوانسیون بلم دو پارا، در اقدامی مترقیانه آن هم در مسیر سنگلاخ مبارزه با خشونت علیه زنان در نظام بین‌المللی حقوق بشر، ذیل ماده 12 خود، مبادرت به پیش‌بینی امکان طرح دعوی علیه دولت‌های عضو نزد کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر به خاطر نقض ماده 7 کنوانسیون نموده است. وفق ماده 12، هر شخص یا گروهی از اشخاص یا هر نهاد غیردولتی که از لحاظ قانونی در یک یا چند دولت عضو سازمان کشورهای امریکایی به رسمیت

1. Multilateral Evaluation Rounds (REM)
2. Hemispheric Evaluation Report
3. Follow-Up Hemispheric Report

شناخته شده باشد، می‌تواند نسبت به طرح دعوی در برابر نقض ماده 7 کنوانسیون بلم دو پارا در برابر کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر اقدام نماید و کمیسیون نیز می‌بایست طبق موازین و آیین‌های مقرر در کنوانسیون بین‌امریکایی حقوق بشر و اساسنامه و مقررات خود در خصوص رسیدگی به شکایات، به بررسی آن‌ها بپردازد. ملاحظه می‌شود که کنوانسیون امکان طرح دعوی را تنها در خصوص نقض ماده 7 خود پیش‌بینی کرده است. نخستین پرونده در این زمینه، در 20 اوت سال 1998 و به صورت اشتراکی از سوی خانم ماریا دا پنھا مایا فرناندز،¹ مرکز عدالت و حقوق بین‌الملل² و کمیته دفاع از حقوق زنان امریکای لاتین و حوزه کارائیب³ علیه جمهوری فدراتیو برزیل نزد کمیسیون مطرح گردید.⁴

یادآور می‌گردد که کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر در چارچوب سامانه بین‌امریکایی حقوق بشر دو کارکرد دارد. نخست این که به سان رکن سازمان کشورهای امریکایی، از رهگذر بررسی هم‌سازی عملکرد دولت‌ها مطابق با اعلامیه امریکایی حقوق و تکالیف انسان، به پایش وضعیت حقوق بشر در امریکای شمالی و جنوبی دست می‌یازد. دوم آن که به‌عنوان رکن کنوانسیون بین‌امریکایی حقوق بشر، شکایات تسلیمی از سوی یک شخص یا گروهی از اشخاص را دایر بر نقض حقوق بشر به‌دست یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون دریافت

1. Maria da Penha Maia Fernandes

2. The Center for Justice and International Law (CEJIL)

3. The Latin American and Caribbean Committee for the Defense of Women's Rights (CLADEM)

⁴IACHR, Maria da Penha v. Brazil, Case No. 12.051, Report No. 54/01, OEA/Ser.L/V/II.111 Doc. 20 rev. at 704 (2000).

برای دسترسی به جزئیات این قضیه بنگرید به:

<https://www.globalhealthrights.org/health-topics/fernandes-maria-da-penha-maia-v-brazil-2/>

نیز برای تحلیل این پرونده و نقش آن در مبارزه با خشونت علیه زنان به‌ویژه در کشور برزیل بنگرید به:

Paula Spieler, Winter 2011, "The Maria da Penha Case and the Inter-American Commission on Human Rights: Contributions to the Debate on Domestic Violence Against Women in Brazil", *Indiana Journal of Global Legal Studies*, Vol. 18, Issue 1, 121-143.

می‌نماید. کمیسیون پس از تحلیل و بررسی قابلیت استماع و امور ماهوی قضیه، (در صورت پذیرش صریح صلاحیت ترافیعی دیوان از سوی دولت خاطی) می‌تواند پرونده را به دیوان امریکایی حقوق بشر ارسال نماید یا این که گزارش پایانی خود را با توصیه‌هایی برای دولت ذیربط منتشر سازد (The Committee of Experts, 2017: 128-129). در پرونده یادشده در بالا یعنی خانم فرناندز و دیگران علیه برزیل، کمیسیون به صدور گزارش و ارائه 4 توصیه به برزیل بسنده کرد (IACHR, 2000: para. 70). به گفته تحلیل‌گران، این پرونده به سان نخستین پرونده‌ای که در آن کنوانسیون بلم دو پارا اعمال شد، هم به حمایت از زنان در قاره امریکا و به‌ویژه برزیل کمک کرد و هم لزوم اتخاذ اقدامات مقتضی در راستای ارتقای برابری جنسیتی و مبارزه با خشونت علیه زنان را آشکار ساخت. افزون بر این، با توجه به گشایش‌هایی که متعاقب این قضیه و گزارش و توصیه‌های کمیسیون در زمینه حقوق زنان و منع خشونت علیه بانوان در برزیل رخ‌نمایی کرد، این پرونده بار دیگر اهمیت سازکارهای بین‌المللی در اعمال فشار بر دولت‌های ملی در راستای تضمین پیگیری و جبران خسارت نقض حقوق بشر در داخل کشورها را نمایان ساخت (Spieler, Winter 2011: 142-143).

اگرچه دیوان بین‌المللی حقوق بشر از سازکارهای مستقیم نظارت بر حسن اجرای کنوانسیون بلم دو پارا در زمینه منع خشونت علیه زنان به شمار نمی‌رود، ولی چنان که دیدیم، این نهاد منطقه‌ای واجد اهمیت در بافت حقوق بشر، هم از نظر صلاحیت مشورتی و هم از لحاظ صلاحیت ترافیعی خود، امکان نقش‌آفرینی در رابطه با کنوانسیون و موضوع خطیر خشونت علیه زنان را دارد. از یک سو، دولت‌های طرف کنوانسیون بلم دو پارا و کمیسیون بین‌المللی امریکایی زنان می‌توانند راجع به تفسیر مفاد کنوانسیون از دیوان درخواست نظر مشورتی نمایند. از سوی دیگر، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر قادر است پرونده‌های

مطرح نزد خود را به دیوان یادشده ارجاع دهد و از این رهگذر به طور مستقیم، قابلیت توافقی آن را در زمینه خشونت علیه زنان فعال نماید. بی تردید، پیش‌بینی و شناسایی این امکان در چارچوب کنوانسیون بلم دو پارا را باید یکی از نقاط قوت این سند حقوقی پیشتاز در عرصه مبارزه با خشونت علیه زنان در سطح جهان قلمداد کرد.

باید اذعان کرد که شوربختانه خشونت علیه زنان عمری به درازای تاریخ انسانی دارد و از زمانی که انسان وجود داشته تاکنون، گاه کم و گاه بیش، زنان به واسطه آسیب‌پذیری خود در جوامع یکی از ستم‌دیده‌ترین اقشار و گروه‌ها بوده‌اند. پنداری این خشونت چنان در بستر تاریخ ریشه دوانده، که گاه جنبه غیرانسانی آن نادیده گرفته شده و حتی به امری بدیهی مبدل گردیده است. یکی از شواهد بارز این مدعا، با سوگ بسیار، برخی زنان به‌ویژه از نسل قدیمی هستند که گاه خشونت‌ورزی علیه زن را حق مرد و لازمه قوام و تداوم زندگی مشترک می‌دانند! بسیار دردناک است که چنین بانوانی خود را در زندگی شخصی بی‌حق و ابزار دیده‌اند و دردناک‌تر که این بی‌حقی و نگاه ابزاری را به سان امری طبیعی پذیرفته‌اند و گویی هیچ شأن و منزلتی برای خود به‌عنوان یک زن قائل نیستند. این‌رو، کاهش و حذف خشونت علیه زن، مسیری دور و دراز و دشوار است و پر از نشیب و فراز. با این حال، همین تکاپو و حق‌جویی و مبارزه برای حقوق انسانی است که به زندگی آدمی معنا می‌بخشد. بنابراین، هرگونه کوشش در مسیر احقاق حقوق زن و کاستن از درد و رنج او به‌عنوان وظیفه‌ای انسانی همگانی، امری لازم و بلکه بایسته در نتیجه ستودنی است. با استناد ارجمند حقوق بین‌الملل ایران هم‌نوا می‌شویم که «تلاش همگانی برای رعایت شأن انسانی انسان‌هاست که سبب آرامش و تفاهم می‌شود و تمدن و انسانیت را به پیش می‌برد» (Mumtaz and Ranjbarian, 2013: 295).

نتیجه‌گیری

خشونت علیه زنان و دختران به سان پدیده‌ای جهان‌گستر، فرافرهنگی و فراجغرافیایی، یکی از عوامل ناامنی اجتماعی و تزلزل بنیان‌های خانواده و جامعه به شمار می‌رود و بی‌گمان از موانع بزرگ فراروی توسعه، شکوفایی استعدادها و تحقق زندگی همراه با حفظ کرامت انسانی محسوب می‌شود. نظر به اهمیت این پدیده شوم و پیامدهای منفی آن در زندگی اجتماعی، گام نهادن در مسیر پیشگیری و کاهش موارد بروز و نیز حمایت همه‌جانبه از قربانیان آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، از بایسته‌های حتمی در چارچوب گفت‌وگوهای حقوق انسانی است. از این‌رو، پس از سده‌ها مبارزه پنهان و آشکار زنان و مدافعان حقوق زنان در زمینه محو خشونت، در چارچوب موازین حقوقی شاهد تلاش‌هایی برای قاعده‌مندسازی و تنظیم شیوه‌های پیشگیری، مجازات و حذف این پدیده ضدانسانی هستیم و این خود حکایت از شکل‌گیری یک جنبش در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان و در نتیجه پاگیری نوعی نظام بین‌المللی در جهت این امر دارد.

نظام امریکایی حقوق بشر، همچون پیشگامی خود در نظام بین‌المللی حقوق بشر از نظر تصویب اعلامیه بوگوتا چند ماه پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر به سان سیمرغ بلورین نظام بین‌المللی حقوق بشر و نیز مانند نظام اروپایی حقوق بشر که با تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در مسیر الزام‌بخشی به مواد و موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر گام برداشت، این بار در عرصه بسیار واجد اهمیت منع خشونت علیه زنان هم خودنمایی نمود و به انعقاد نخستین سند الزام‌آور تخصصی در خصوص ممنوعیت و مبارزه با خشونت علیه زنان در سطح جهان دست زد و به الزامی‌سازی اعلامیه

1993 ملل متحد در زمینه منع خشونت علیه زنان مبادرت جست. کنوانسیون، تعهدات فراگیری در زمینه پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان برای دولت‌های طرف‌خود ایجاد نموده و الهام‌بخش و مرجع نوین‌سازی چارچوب تقنینی‌ذیربط در قاره امریکا بوده است. این سند تنها معاهده حقوق بشری اختصاصی راجع به حذف خشونت علیه زن به شمار می‌رود که دارای سازکار طرح شکایت فردی است. به نظر می‌رسد کنوانسیون بلم دو پارا، به‌رغم محدود بودن دامنه آن به قاره امریکا، در توسعه نظام بین‌المللی منع خشونت علیه زنان و کاهش خلأ هنجاری موجود در این عرصه سهم چشمگیری ایفا نموده است. واقعیتی که نشان‌گر نقش برجسته و بسیار مهم نظام‌های منطقه‌ای در حمایت و پیشبرد حقوق بشر است و حکایت از آن دارد که این سامانه‌ها قادرند تا اندازه‌ای خلأ انسجام و اراده سیاسی جهانی در چارچوب سازمان ملل متحد را مرتفع سازند و اهداف شریف و والای حمایت از انسان و جایگاه او و ارتقای حقوق بشر را به واسطه اشتراکات فرهنگی و سیاسی خویش پیش ببرند.

اگرچه برای ریشه‌کن‌سازی سنت‌های ریشه‌دار زن‌ستیز و مبتنی بر کهنتری او که محصول سده‌ها مردسالاری افراطی است، نیازمند زمان بسیار و بکارگیری و همگرایی کلیه نظامات نقش‌آفرین در مقولات فرهنگی و سیاسی مؤثر بر خشونت علیه زنان است، ولی بی‌گمان کاربست ابزارهای حقوقی در این زمینه اهمیتی بسزا دارد و در شمار بایسته‌هاست. به‌ویژه تجربه نظام دادخواهی مقرر در کنوانسیون بلم دو پارا نشان و حکایت از آن دارد که بکارگیری سازکارهای بین‌المللی و فراملی در زمینه مبارزه با نقض حقوق بشر و به طور خاص منع خشونت علیه زنان و اعمال فشار بر دولت‌های ملی در راستای اصلاح نظام حقوقی

مبتنی بر مهتری مردان و کهنتری زنان و نابرابری جنسیتی، می‌تواند ابزاری کارآمد در راستای تقویت جایگاه زنان در جامعه به شمار آید و از این رهگذر، مقدمات و موجبات احترام بیشتر به شأن و منزلت انسانی بانوان و در نتیجه کاهش خشونت‌ورزی نسبت به ایشان را فراهم آورد. بی‌گمان، بخش چشمگیری از اعمال خشونت علیه زن، از مخدوش بودن کرامت انسانی او در جوامع سرچشمه می‌گیرد و ارتقای مقام زن از رهگذر نظام آموزشی و در خانواده‌ها، می‌تواند نقشی شگرف در بهبود این وضعیت ایفا کند.



References

- Augusto Cansado Trindade, Antonio. (2000). Reporting in the Inter-American System of Human Rights Protection”, in: *The Future of UN Human Rights Treaty Monitoring*, Ph. Alston, J. Crawford (eds.), 2000, Cambridge: Cambridge University Press, 1st published, 333-346.
- Aziz, Zarizana. (2017). Due Diligence and Accountability for Online Violence against Women. Available at: <https://www.esem.org.mk/pdf/Najznachajni%20vesti/2018/1/DDP-OVAW.pdf>
- Bellami, Victoria. (2018). Intégrer, définir, réprimer et prévenir le «fémicide/féminicide» en Amérique latine”, *Autrepart*, no. 1, 133-148.
- CEDAW, 19 October. (2010). General Recommendation No. 27 on Older Women and Protection of Their Human Rights, CEDAW/C/2010/47/GC.1.
- Duhaime, Bernard. (2018). Dix Raisons Pour Lesquelles Le Canada Devrait Adhérer À La Convention Américaine Relative Aux Droits De L’homme”, *Revue québécoise de droit international/Quebec Journal of International Law/Revista quebequense de derecho internacional*, no. 1, 267-283.
- E. Howard-Hassmann, Rhoda. (2012). Human Security: Undermining Human Rights?”, *Human Rights Quarterly*, Vol. 34, 88-112.
- Gholami, Hossein and Barzegar, Mehri. (2017). Predicting violence against women and the strategies adopted based on it. *Doctrines of Criminal Law*, Volume 14, Issues 14, 38-3. [In Persian].
- IACHR. (2000). *Maria da Penha v. Brazil*, Case No. 12.051, Report No. 54/01, OEA/Ser.L/V/II.111 Doc. 20 rev. at 704 (2000).
- Jalali, Mahmoud. (2002). Women's Human Rights in International Law and the Situation in Iran. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, pp. 69, 143-115. [In Persian].
- Khak, Ronak. (2008). Criminalization of Sexual Violence in International Criminal Law, *International Law Journal*, Twenty-Fifth Year, No. 39, 146-101. [In Persian].
- Lando, Sandra. (2015). La Perspective de Genre dans la Jurisprudence Interaméricaine en Application de la Convention Belem Do Para”, *Revue québécoise de droit international / Quebec Journal of International Law/Revista quebequense de derecho internacional*, no. 2, 81-111.

- Mehrpour, Hussein. (2009). International mechanisms and their deterrence to human rights violations. *International Quarterly Journal of Foreign Relations*, First Year, pp. 4, 42-7. [In Persian] .
- Mashhadi, A., & Karami, M. (2020). Protecting Women against Violence in the Light of 2011 Istanbul Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence. *Public Law Studies Quarterly*, 50(Summer), 737-755. [In Persian].
- Mashhadi, A., Shakibnejad, E., & Karami, M. (2019). Online Violence against Women from the Perspective of International Human Law. *Gender and Family Studies*, 6(2), 71-96. [In Persian].
- Mashadi, A., Karami, M., & Kojidi, H. H. (2017). Acid Throwing on Women in the view of Islamic Legal System and International Human Rights Law. *Comparative Study on Islamic & Western Law*, 4(2), 173-198. [In Persian].
- Mo'meni Rad, Ahmad and Kaykhosravi, Mehdi. (2019). Regional human rights mechanisms: types, challenges and solutions. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, Volume 8, Issues 17, 133-111. [In Persian].
- Monfared, Mahvash and Tabatabai, Seyed Ahmad. (2016). Investigating the mechanism of human rights treaty institutions. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, Year 6, pp. 12, 77-53. [In Persian].
- Mumtaz, Jamshid and Ranjbarian, Amir Hossein. (2014). *International Humanitarian Law; Internal armed conflicts*, Tehran: Mizan, Ch. IV. [In Persian].
- Organization of American States, (1994), *The Inter-American Convention on the Prevention, Punishment and Eradication of Violence against Women*;
- Rahimi, Raouf .(2018). Responsibility of the State and the private sector towards human rights. *International Studies*, Fifteenth Year, Vol. 3, 88-65 . [In Persian].
- Ravasian Kashi, Somayeh .(2019). *Common Chapter on Discrimination; Review of the Convention on the Elimination of Discrimination against Women*, Tehran: Shirazeh Publishing and Research. [In Persian].
- Rezvani, Soodabeh. Mahdavipour, Azam and Munib, Abdul Matin. (2020). Sexual Violence Against Women in the Legislative System of Iran and Afghanistan: From Sexual Harassment to Rape, *Legal Research*, Volume 23, No. 91, 376-351. [In Persian].
- Sadat Akhavi, Seyed Ali .(2012). *The New System of Reporting Governments to the*

- UN Human Rights Committee, Private Law Studies, Volume 42, Issues 1, 159-145. [In Persian].
- Sebastian, Essayag. (2017). From Commitment to Action: Policies to End Violence Against Women in Latin America and the Caribbean, Panama, UNDP, UN Women, 1st edition.
- Seyed Hatami, Maryam and Mosafa, Nasrin. (2020). Commitment of Governments on Gender Equality in Education, Public Law Studies, Volume 50, Issue 4, 2000-2011. [In Persian].
- Spieler, Paula.. (2011). The Maria da Penha Case and the Inter-American Commission on Human Rights: Contributions to the Debate on Domestic Violence against Women in Brazil”, Indiana Journal of Global Legal Studies, Vol. 18, Issue 1, 121-143.
- Stedman, Brooke (2013). The Leap from Theory to Practice: Snapshot of Women’s Rights through a Legal Lens”, Merkourios, Vol. 29, Issue 77, 4-28.
- Wellman, Carl. (2018). Can women's rights be human rights? Translated by Mofid University Center for Human Rights Studies, Bi-Quarterly Journal of Human Rights, Fourteenth Year, No. 1,203-189. [In Persian].
- Zamani, Seyed Qasem .(2005). Global Monitoring of Human Rights Enforcement: From the Commission to the UN Human Rights Council. Legal Research, Vol. 9, 395-314. [In Persian].